

The impact of the presence of Europeans in the Persian Gulf on the political, economic, and social conditions of the Safavid period (with a study of new sources)

Najafzadeh, a student of Bidaki¹
Faizollah Boushasb Goshe²
Ahmad Kamranifar³

Received: 3 February 2025

Reception: 3 September 2025

Abstract

This research examines the impact of the European presence in the Persian Gulf, especially during the Safavid period, and its impact on important ports and islands in the region such as Hormuz, Qeshm, and Bandar Abbas. The study examines the economic and social impacts resulting from the presence of European colonial powers in these focal areas of trade and politics in the Persian Gulf. The research is shaped by the main question of exploring how European colonialists impacted the economic and social structures of these ports. The research method of this study is mainly historical analysis. This research shows that the presence of Europeans not only caused profound economic changes in trade routes and commercial relations, but also had profound impacts on the social and cultural structure of the region, which influenced the sustainability and subsequent developments in the Persian Gulf. These changes significantly caused modernization and transformation in the ports under study and paved the way for new economic and political developments in the subsequent periods of the history of this region.

Keywords: Persian Gulf, Persian Gulf Islands, Persian Gulf Ports, Bandar Abbas, Safavid

1Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding author)

3Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.504388.1245>

تأثیر حضور اروپایی ها در خلیج فارس بر اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بنا در دوره صفویه (با مطالعه منابع جدید)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵

نجف زاده دانشجوی بیدکی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۲

فیض الله بوشاسب گوشه^۲

احمد کامرانی فر^۳

چکیده

این تحقیق به بررسی تأثیر حضور اروپاییان در خلیج فارس، خصوصاً در دوره صفویه و تأثیر آن بر بنادر و جزایر مهم منطقه همچون هرمز، قشم و بندرعباس می‌پردازد. مطالعه تأثیرات اقتصادی و اجتماعی ناشی از حضور قدرت‌های استعماری اروپایی در این مناطق کانونی تجارت و سیاست در خلیج فارس است. تحقیق با پرسش اصلی که چگونگی تأثیر استعمارگران اروپایی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی این بنادر را مورد کاوش قرار می‌دهد، شکل گرفته است. روش تحقیق این مطالعه عمدتاً تحلیل تاریخی است. این تحقیق نشان می‌دهد که حضور اروپاییان نه تنها باعث تغییرات اقتصادی ژرفی در مسیرهای تجاری و مناسبات بازرگانی شد، بلکه تأثیرات عمیقی بر ساختار اجتماعی و فرهنگی منطقه گذاشت که بر دوام و تحولات بعدی در خلیج فارس تأثیر گذار بوده است. این دگرگونی‌ها به‌طور قابل توجهی سبب نوسازی و تحول در بنادر مورد مطالعه شده و بستری برای ورود تحولات جدید اقتصادی و سیاسی در دوره‌های بعدی تاریخ این منطقه گردیده است.

لغات کلیدی: خلیج فارس، جزایر خلیج فارس، بنادر خلیج فارس، بندر عباس، صفویه

^۱گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. najfzadeh.batool@gmail.com

^۲گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسئول) F-boushasb@phu.iaun.ac.ir

مقدمه

حضور اروپاییان در خلیج فارس، به‌ویژه در دوره صفویه، نقطه عطفی در تاریخ اقتصادی و اجتماعی منطقه محسوب می‌شود. بررسی این دوره حائز اهمیت است چرا که تأثیر استعمارگران اروپایی بر بنادر و جزایر استراتژیک خلیج فارس، نظیر هرمز، قشم و بندرعباس، تحولات عمده‌ای را در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی این مناطق به دنبال داشت. این تحقیق با هدف کاوش در عمق این تأثیرات و درک بهتر روابط بین منطقه‌ای و بین‌المللی آن دوره صورت گرفته است.

سوال اصلی تحقیق این است: حضور قدرت‌های استعماری اروپایی، به‌ویژه پرتغالی‌ها، چه تأثیراتی بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی بنادر هرمز، قشم و بندرعباس در دوره صفویه داشته است؟ این سوال از این نکته ناشی می‌شود که درک چگونگی تأثیرگذاری اروپاییان می‌تواند به تحلیل دقیق‌تر تحولات منطقه‌ای و تأثیر آن بر سایر بخش‌های جهان اسلام و شرق دور کمک کند.

روش تحقیق در این مطالعه شامل تحلیل تاریخی مبتنی بر مرور و تحلیل دقیق منابع و اسناد دوره‌ای است. استفاده از اسناد تاریخی، گزارش‌های سفر اروپایی‌ها، و نوشته‌های مورخان آن دوره به‌عنوان منابع اصلی، اساس این بررسی را تشکیل می‌دهد. همچنین، تحلیل‌های اقتصادی و اجتماعی مدرن برای فهم بهتر تأثیرات و پیامدهای طولانی‌مدت این دوره بر منطقه به کار گرفته شده است. مطالعات موردی بنادر هرمز، قشم و بندرعباس به عنوان نقاط کلیدی در این تحقیق انتخاب شده‌اند، که هر کدام شاهد تغییرات محسوس در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی خود بوده‌اند.

این تحقیق با بررسی و تحلیل دوره‌های مختلف تأثیرگذاری اروپاییان تلاش می‌کند تا نقش استعمار را در شکل‌گیری روابط اقتصادی و اجتماعی جدید و تأثیر آن بر هویت فرهنگی و اجتماعی منطقه مشخص کند. از ظهور صفویه تا سقوط آن، خلیج فارس شاهد تحولات بزرگی بود که همگی تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت‌ها و سیاست‌های اروپاییان قرار داشتند. این مطالعه به‌ویژه به تحلیل دوره حکمرانی شاه عباس می‌پردازد، که در آن زمان بندرعباس به عنوان مرکز استراتژیک تجارت و سیاست در خلیج فارس مورد توجه خاص قرار گرفت.

حضور اروپاییان در خلیج فارس، و به خصوص نفوذ پرتغالی‌ها در دوره صفویه، نه تنها باعث تغییر دینامیک‌های سیاسی و اقتصادی منطقه شد، بلکه تأثیرات قابل توجهی بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جوامع بومی گذاشت. این دوره تاریخی را می‌توان به سه بخش اصلی تقسیم‌بندی کرد که هر کدام به دوره‌های خاصی از تحولات استراتژیک و تجاری می‌پردازند:

۱. **دوره اول:** این دوره از ظهور صفویه آغاز شده و تا فتح هرمز توسط شاه عباس اول ادامه دارد. در این دوره، پرتغالی‌ها با استقرار در بنادر استراتژیک همچون هرمز، نقش بسزایی در کنترل مسیرهای تجاری خلیج فارس و هند ایفا می‌کنند (رائین، ۱۹۷۴، ص ۱۵۸). نفوذ پرتغالی‌ها در این بنادر، تأثیرات گسترده‌ای بر اقتصاد منطقه داشت، به طوری که باعث تغییر مسیر تجارت جهانی و ایجاد چالش‌های جدید برای حکمرانان صفوی شد.

۲. **دوره دوم:** دوران حکمرانی شاه عباس و تلاش‌های او برای بازپس‌گیری کنترل بنادر از دست پرتغالی‌ها و توسعه بندرعباس به عنوان مرکز جدید تجارت خلیج. شاه عباس با استفاده از سیاست‌های نوین و ائتلاف با قدرت‌های اروپایی مانند انگلستان و هلند، توانست نفوذ پرتغالی‌ها را در منطقه کاهش دهد (فلور، ۱۹۸۳، ص ۲۰۲). این اقدامات نه تنها منجر به تحولات اقتصادی شد، بلکه بستر ساز تحولات اجتماعی و فرهنگی در منطقه نیز گردید.

۳. **دوره سوم:** این دوره مشخص‌کننده دوران فروپاشی صفویه و تأثیرات بیشتر قدرت‌های استعماری جدید مانند بریتانیا و هلند بر منطقه است. در این دوره، با کاهش قدرت صفویه، این قدرت‌های جدید توانستند نفوذ خود را بر بنادر خلیج فارس تحکیم بخشند، که این امر سبب تغییرات عمده در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی شد (مورگان، ۱۹۹۰، ص ۱۳۴).

این دوره‌ها نه تنها شاهد تغییرات ژئوپولیتیکی بودند، بلکه تأثیرات عمده‌ای بر جوامع محلی و ساختارهای اقتصادی منطقه گذاشتند که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق و معرفی منابع

در راستای تحلیل دقیق و علمی تأثیر حضور اروپاییان در خلیج فارس، بررسی منابع متعددی که به تفصیل به این دوره پرداخته‌اند، اجتناب‌ناپذیر است. منابع مورد استفاده در این تحقیق از طیف

وسیع از اسناد تاریخی، مقالات تحقیقاتی و کتب مرجع تشکیل شده‌اند که هر کدام به نوعی به کشف و تحلیل دینامیک‌های اقتصادی و اجتماعی خلیج فارس در دوران صفویه می‌پردازند.

۱. **اسناد دوره‌ای و گزارش‌های تاریخی:** این دسته از منابع شامل گزارش‌های مستقیم نویسندگان و مورخان دوره صفویه است که به زبان‌های فارسی و اروپایی نوشته شده‌اند. به عنوان مثال، کتاب "الف لیله و لیله بحر الدماء" اثر علی بن حسین کرمانی (۱۶۰۹ میلادی) شامل اسناد مربوط به نفوذ پرتغالی‌ها در هرمز و تأثیرات آن بر اقتصاد منطقه است.

۲. **تحلیل‌های مدرن و مقالات پژوهشی:** این دسته منابع به بررسی و تحلیل تأثیرات بلندمدت استعمار بر خلیج فارس و تأثیرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آن می‌پردازند. به عنوان نمونه، مقاله‌ای از دکتر محمد باقر وثوقی که تحت عنوان "تأثیر حضور پرتغالی‌ها در خلیج فارس: مطالعه موردی جزایر هرمز و قشم" منتشر شده و به بررسی دقیق سیاست‌های پرتغال در منطقه می‌پردازد.

۳. **کتاب‌های مرجع:** آثاری مانند "تاریخ سیاسی ایران در دوران صفویه" نوشته اسماعیل رائین که به تفصیل به سیاست‌های داخلی و خارجی دوران صفویه می‌پردازد و چگونگی تعامل این دولت با قدرت‌های بزرگ اروپایی را تشریح می‌کند.

دوره اول: از ابتدای ظهور صفویه تا فتح هرمز توسط شاه عباس

در ابتدای دوره صفوی، خلیج فارس تحت سیطره نیروهای دریایی عثمانی بود. اما با پیشروی پرتغالی‌ها و استیلای آن‌ها بر هرمز، تجارت دریایی منطقه تحت کنترل پرتغال قرار گرفت. بندر بصره در این دوره به عنوان یک مرکز تجاری مهم شناخته شده و با تصرف قشم توسط پرتغالی‌ها، به رقیبی برای بندر بصره تبدیل شد (مهدوی، ۱۳۸۷، ص ۱۳)

بندر بصره و استیلای عثمانی در تجارت خلیج فارس

قبل از ظهور شاه اسماعیل اول صفوی، بندر بصره به دلیل درگیری‌های میان حکومت‌های محلی مانند آق قویونلو و قراقویونلو، دچار هرج و مرج شده بود. با ظهور شاه اسماعیل، این بندر تا حدودی به ثبات رسید. شاه اسماعیل با فتح بغداد و بصره در سال ۱۵۰۳ میلادی، کنترل این مناطق را از سلطان مراد آق قویونلو پس گرفت (سیوری و کلی، ۱۳۷۷، ص ۴۶)

در همان دوره، پرتغالی‌ها وارد خلیج فارس شدند و با قدرت نظامی و تجاری خود، تجارت دریایی خلیج فارس را تحت تأثیر قرار دادند. پرتغالی‌ها با تسلط بر مسقط، عمان، قطیف و به

ویژه هرمز، بنادر مهم خلیج فارس و دریای سرخ را در اختیار گرفتند و بدین ترتیب تجارت خلیج فارس را مدیریت کردند.

شاه اسماعیل برای مقابله با پرتغالی‌ها و عثمانی‌ها و تأمین امنیت بندر بصره، اقداماتی را انجام داد که شامل امضای قراردادهایی با پرتغال بود. این تلاش‌ها به حفظ نسبی استقلال بصره و دیگر بنادر منطقه منجر شد.

فعالیت تجاری دول غربی در بندر بصره

شرایط جهانی در سده‌ی شانزدهم میلادی به سود بازرگانی ایرانیان در خلیج فارس نبود. امپراتوری عثمانی با تسلط بر بنادر مدیترانه و راه‌های زمینی شرق به غرب، به‌ویژه راه تجاری پراهمیت بصره به حلب، تأثیر منفی بر اقتصاد ایرانیان گذاشته بود (الاعظمی، ۱۹۲۷، ص ۱۰۸)

پرتغالی‌ها در بندر بصره

پرتغالی‌ها با کشف قاره‌ی جدید و توسعه قدرت خود به‌سوی شرق، به دنبال تسلط بر آبراه‌های مهم و مناطق تجاری بودند. آنان با تسلط بر سواحل جنوبی آفریقا و رسیدن به شرق هندوستان، به دنبال تسلط بر مناطق تولید ادویه و گذرگاه‌های دریایی مهم بودند (بروکلمان، ۱۹۷۷، ص ۴۵۱)

پرتغالی‌ها در بصره و سایر بنادر خلیج فارس تأثیر گذاشتند و با حضور نظامی و تجاری خود، سیاست‌های منطقه‌ای را دستخوش تغییر کردند. این تأثیرات سیاسی و اقتصادی، در عصری که شاهان صفوی برای استقرار قدرت و هویت ملی تلاش می‌کردند، برجسته بود.

تصرف قشم و تجارت پرتغال در این جزیره

شاهان صفوی از سال ۱۵۰۱ میلادی/۹۰۹ هجری قمری استقلال فرهنگی و تمامیت هویت ملی ایران را تأسیس کردند. در این دوره، سنن سیاسی و سازمان اداری از دوران ساسانیان احیا شده و کشور به ۲۹ ایالت تقسیم شد که یکی از آن‌ها ایالت فارس بود. این ایالت شامل کلیه بنادر و جزایر خلیج فارس بود و مرکز آن شیراز بود، که وظیفه اداره و اخذ مالیات‌ها را بر عهده داشت (هیئتس، ۱۳۶۲، صص ۷-۲۱)

اما با ورود استعمارگران اروپایی به خلیج فارس، دوره جدیدی در منطقه آغاز شد. تا پیش از این، حکام محلی مانند کیش، سیراف، و هرمز به نیابت از حکومت مرکزی ایران نظارت داشتند. پرتغالی‌ها با ورود به اقیانوس هند و در دست گرفتن تجارت آن، تأثیر مهمی بر اقتصاد دریایی و

زمینی ایران گذاشتند (خیراندیش، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱). این تأثیر شامل تغییر مسیر تجاری اصلی از ایران به اروپا و اختلال در تجارت دریایی خلیج فارس بود.

آسیب پرتغال به تجارت ایران

پرتغالی‌ها، با دستیابی به تجارت دریای هند، ارتباط اقتصادی میان فلات ایران و مناطق ساحلی را دچار اختلال کردند. از جمله محصولات صادراتی ایران، اسب و پشم بود که از فارس و کرمان به مناطق ساحلی فرستاده می‌شد و برای صادرات به دیگر نقاط به کار می‌رفت (فسایی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۹۵). پرتغالی‌ها با تسلط بر جزایر استراتژیک و بنادر خلیج فارس، این تجارت را تحت تأثیر قرار دادند، که این امر نهایتاً به کشمکش‌های مستمر بین ایران و پرتغال بر سر جزیره هرمز انجامید.

فعالیت‌های اقتصادی پرتغالی‌ها باعث شد که سهم ایران از تجارت پرسود دریای هند کاهش یابد، و دولت صفوی مجبور شد به طور مستقیم در امور بازرگانی جنوب ایران دخالت کند. این دخالت‌ها شامل تلاش‌هایی برای بازپس‌گیری کنترل مناطق مهم تجاری و استراتژیک بود (خیراندیش، ۱۳۸۱، ص ۱۱۲)

نتیجه حضور پرتغالی‌ها در خلیج فارس نه تنها تغییر در مسیرهای تجاری و اقتصادی بود، بلکه زمینه‌ساز یک دوره جدید در منطقه بود که شامل تأثیرات فرهنگی و اداری نیز می‌شد. این تأثیرات سبب شد که ایران برای حفظ موقعیت استراتژیک و اقتصادی خود در خلیج فارس، به طور فزاینده‌ای به مقابله با قدرت‌های استعماری پردازد و به تدریج به بازیابی کنترل بنادر و جزایر از دست رفته پردازد.

شاه عباس و فتح جزایر ایرانی

در زمان حکومت شاه‌عباس صفوی، ایران شاهد تقویت قدرت خود بود و این فرصت را پیدا کرد تا مناطق جنوبی خود را از دست پرتغالی‌ها بازپس گیرد. تا سال ۱۶۲۲، بیشتر مناطق کلیدی به دست ایران افتاد و جزیره هرموز نیز در ۱۶۲۵ تخریب شد.

پس از عقد قرارداد با کمپانی هند شرقی انگلیس برای حمله مشترک به پرتغالی‌ها در جزایر قشم و هرموز، نیروهای کمپانی آماده شدند و در ۹ ژانویه ۱۶۲۲ میلادی به هرموز حمله‌ور شدند. اهمیت جزیره قشم به خاطر موقعیت استراتژیک آن بود که روبه‌روی هرموز قرار داشت و همچنین به دلیل دسترسی به منابع آب شیرین که می‌توانست هرموز را دچار کم‌آبی کند. پرتغالی‌ها تسلیم شدند و قلعه به ایرانی‌ها و انگلیسی‌ها واگذار شد. شرایط تسلیم پرتغالی‌ها به طور کامل

اجرا نشد و سربازان مسلمان همراه آن‌ها به اتهام خیانت کشته شدند. در این دوران، بسیاری از پرتغالی‌ها بدون اسلحه و اموال به هرموز فرستاده شدند، اما برخی از مقامات بلندپایه آن‌ها توسط انگلیسی‌ها در کشتی‌ها نگهداری شدند (دلواله، پیترو، ۱۳۸۰، ص ۱۵۴)

پس از تصرف قلعه قشم، دسته‌ای از سپاهیان ایرانی به فرماندهی امیر سوندوک به همراه انگلیسی‌ها مأمور حفاظت از آن شدند. با فتح قشم، هرموز در محاصره قرار گرفت و شمارش معکوس برای سقوط آن آغاز شد.

این دوران شاهد تقویت موقعیت ایران در خلیج فارس بود و باعث شد تا تجارت دریایی منطقه تحت نظارت مستقیم ایران قرار گیرد، که این امر به رشد اقتصادی و تجاری بندر عباس کمک کرد و نقش بنادر دیگر مانند بصره و قشم را کاهش داد.

نقش تجارت ابریشم در توسعه مسیرهای در کرانه‌های بندرعباس

با تمرکز تجارت ابریشم در بندرعباس، دولتمردان صفوی به توسعه راه‌های دسترسی به این بندر توجه ویژه‌ای نشان دادند. طی دوره صفویه، تاسیسات بسیاری در مسیر بندرعباس به اصفهان ساخته شد. مسیر کلی حدود ۱۳۳۳ کیلومتر بود که کاروان‌ها آن را طی یک ماه می‌پیمودند. مهم‌ترین مسئله در مسیرهای گرم و خشک، تأمین آب آشامیدنی کاروان‌ها بود که معماران عصر صفوی با طراحی ویژه‌ای از عهده‌ی این مهم برآمدند (فیگوئروا، ۱۳۶۳، ص ۷۲-۷۳)

کاروانسراهای ساخته شده در مسیر بندرعباس به لار، با معماری متفاوت و بدون حیاط مرکزی، با گنبد مرکزی طراحی شده بودند که هوای داخل را خنک نگه می‌داشت. این کاروانسراها شامل تنگ‌دانون، تنگ‌نو، بادنی، برکه سلطان و برکه سفید بودند. هر یک از این بناها طبق شرایط طبیعی طراحی و ساخته شده و آگاهی عمیق معماران عصر صفوی را از کاربری محیطی نشان می‌دهد. در مسیر بندرعباسی به جهرم، در جوار همه کاروانسراها، آب انبار تعبیه شده و به این ترتیب آب آشامیدنی کاروان‌ها تأمین شده است. تقریباً تمامی کاروانسراهای مسیر بندرعباسی به لار که در ناحیه پست کرانه‌ای قرار دارند، تاکنون سالم باقی مانده‌اند (فیگوئروا، ۱۳۶۳، ص ۷۲-۷۳) تأمین امنیت مسیرهای دسترسی به بندرعباسی به عهده حکام شهرها و آبادی‌های طول راه قرار داشت و از آنجا که در معماری کاروانسراها از ویژگی‌های حفاظتی استفاده نمی‌شد، می‌توان دریافت که در دوره صفویه راه‌ها به خوبی تأمین می‌شده است. در متن سفرنامه‌های موجود این دوره به ندرت از ناامنی راه‌ها یا بیم از دزدان کاروانی ذکری به میان آمده است. بدین ترتیب، طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولتمردان صفوی در بندرعباسی و جاده‌های پس‌کرانه‌ای آن به خوبی اجرا شد و از این رو مسیر کاروانی بندرعباسی به شیراز و اصفهان به «شاهراه اصلی» مبادلات و صادرات و واردات کالاها تبدیل شد.

در این میان، مدیریت و برنامه‌ریزی امامقلی‌خان، والی فارس، برای کنترل کامل امور اجرایی و اداری بندرعباسی بیشتر نمود دارد. او فرد مورد اعتماد شاه‌عباس اول بود که بلافاصله پس از فتح هرمز به عنوان بیگلربیگی فارس، کهگیلویه، لار، بحرین و جرون مفتخر گردید (ترکمان، ج ۱، ص ۱۰۸۸)

بندر عباس در اوج رونق و شکوه

تجارت در این دوران چنان در بندرعباسی رونق گرفته بود که گاهی اوقات چنان کشتی به بندرعباسی می‌رسید که مقدار کالای دادوستد شده در آن از مقدار پول موجود، بیشتر بوده است. وغالب کشتی‌هایی که به طرف بصره می‌آمدند در بندرعباسی توقف می‌کردند چون بازارهای بندرعباسی، بهترین مکان برای فروش کالاهای آنها بود (تاورنیه، ۱۳۸۲، ص ۳۷۴) امر معاوضه پول برتری یافتند شاید نمایان‌گر افزایش نقش کلی آنها در حیات تجاری هندیان در واپسین سالهای سده یازدهم هجری باشد. از تجار یهودی در این زمان به عنوان فعالان تجاری در مسیر بندرعباسی و اصفهان یاد می‌شود. البته یهودیان قبل از این نیز در خلیج فارس حضور داشتند، اسناد پرتغالی به ساخت دکل‌های کشتی توسط یهودیان در هرمز اشاره کرده‌اند. (زنجان، همان منبع ۱۷۱) بسیاری از یهودیان چه فقیر و چه غنی در ایران عصر صفوی در کار تجارت فعال بودند. در نیمه قرن یازدهم هجری، بسیاری از یهودیان، تاجر بوده و در خرید و فروش پارچه مرغوب و آلات زینتی نقره موفق بودند. در اوایل قرن دوازدهم هجری، یهودیان لار به طور گسترده در صنعت نساجی ابریشم در همه ایالت کرمان مشغول بودند. یهودیان به ویژه در امر ایجاد اعتبار به صورت برات برای کمپانی‌های اروپایی در بندرعباسی فعال و مهم بودند. بستانکار در این معاملات، کالاهای کمپانی هند شرقی هلند را به استناد اسناد تعهد پرداخت، توسط قرض‌دهنده در اصفهان خریداری می‌کرد. البته یهودیان در تمام ابعاد تجاری مشارکت داشتند، بازرگانان عمده - فروش یهودی، همه دارچینی را که توسط کمپانی هلند در سالهای ۱۰۶۷-۱۰۶۸/ق ۱۶۵۷-۱۶۵۸ با کشتی به ایران وارد می‌شد، خریداری می‌کردند و همچنین بیشتر فلزی را که کمپانی در سالهای ۱۰۶۷-۱۰۶۸/ق ۱۶۵۷-۱۶۵۸ م به ایران وارد کرد را خریدند. ۳. بر این اساس، با تجارت عمده ای که در بندرعباسی توسط تجار و بازرگانان صورت می‌گرفت عواید آن که در اوایل به جهت کمی معاملات تجاری فوق العاده کم بود، روندی رو به افزایش گرفت.

تجارت در این دوران چنان در بندرعباسی رونق گرفته بود که گاهی اوقات چنان کشتی به بندرعباسی می‌رسید که مقدار کالای دادوستد شده در آن از مقدار پول موجود، بیشتر بوده است. وغالب کشتی‌هایی که به طرف بصره می‌آمدند در بندرعباسی توقف می‌کردند چون بازارهای بندرعباسی، بهترین مکان برای فروش کالاهای آنها بود. (تاورنیه ۱۳۸۲، ۳۷۴)

البته دربندرعباسی هنگامی که کشتی‌ها به لنگرگاه آن می‌رسید شهر شلوغ می‌شد و بازرگانان زیادی تردد داشتند که آن نیز عمدتاً ایرانی و ارمنی و هندی بودند که در ایران زندگی می‌کردند و شاید اگر هوای ناسالم بندرعباسی نبود بازرگانان بیشتری از مکانهای دیگر به این شهر می‌آمدند.

افزایش جمعیت در نتیجه توسعه درآمد بندر عباس

متمرکز شدن بخش عمده ای از فعالیت‌های تجاری در این شهر به تدریج بر آبادانی و جمعیت آن افزود، چنان که جمعیت آن از حدود ۱۸۵ خانوار در سال ۱۰۳۲/۱۶۲۲م به ۱۵۰۰ خانوار در سال ۱۰۷۹/۱۶۷۰م افزایش یافت. از میان درآمد و عایدات گمرگی کشور، گمرگات خلیج فارس قابل ملاحظه بود که از این میان نیز بیشترین درآمد گمرگی متعلق به بندرعباسی بود که هر ساله در حدود ده هزار تومان (۱۷۰ هزار تالر) درآمد داشت و در مقابل بندر ریگ از همه کمتر بود زیرا کمی عمق آن ورود و کشتی‌های تجاری را غیر ممکن می‌ساخت. (کمپفر، همان منبع، ص ۱۱۴-۱۱۵) در گمرگ خلیج فارس حدود ۱۰ درصد از اجناس حقوق گمرگی دریافت می‌شد که این نرخ گاهی به ۱۶ درصد نیز می‌رسید که ۲ درصد آن را نیز به شاهبندر می‌دادند که در گرمای بندرعباسی کالاها را زودتر ترخیص کند (همان، ص ۶۷۸)

دوران زوال صفویه و تاثیر آن در افول تجارت منطقه خلیج فارس بعد از فوت شاه عباس اول اقتدار و تمرکز قدرت در دولت صفویه وجود نداشت و به تدریج رو به زوال رفت، این امر بر تجارت ایران بر خلیج فارس به ویژه بندر عباس تاثیر منفی نهاد، بی شک این امر مرسوم عوامل مختلفی بوده است که در ادامه به تفصیل بیان می‌شود.

تأثیر اقدامات شاه صفی و جانشینان وی در کاسته شدن تجارت ابریشم

بعد از شاه عباس اول اجحافات دولت در امر انحصار ابریشم و تجارت کالاها، سخت گیری و فشار به رعایا برای دریافت ابریشم به قیمت پایین و انبار کردن و فروش آنها به قیمت چند برابر، ضمن دلسرد کردن کشاورزان در امر تولید ابریشم، خشم و ناراضی آنها را نیز به دنبال داشت. فروش ارزان ابریشم به کمپانیهای اروپایی و معاف کردن آنها از عوارض گمرگی، علاوه بر کسری بودجه سبب شد تا کمپانیهای اروپایی با انتقال ابریشم به اروپا و تبدیل آن به کالاهای تجملی به قیمت چند برابر به مردم ایران بفروشدند. باروی کار آمدن شاه صفی از سال ۱۶۲۹م و سیاستی که وی در پیش گرفت، منجر به این شد که پس کرانه‌های بندرعباسی ناامن شود و هم خواسته یا ناخواسته صادرات ابریشم کاهش پیدا کند. کشته شدن امامقلی خان در سال ۱۰۴۲ه ق به دستور وی، آغاز ناامنی در مناطق پس کرانه‌ای بندرعباسی را به همراه داشت. امامقلی خان، والی

فارس، کسی که در دوران حکومتش بر فارس اقدامات عمرانی برای حفظ امنیت مسیرهای تجاری بندرعباسی - لار-شیراز به عمل آورد. در دوره والیگری وی بود که شیراز ولار رونق تجاری برخوردار شدند.

از آن جا که والی‌ها، درآمد حوزه فرمانروایی خود را مانند اموال شخصی به حساب می‌آوردند و بیشتر آن را به مصرف شخصی صاحب منصبان سپاه خود می‌رساندند و جز مبلغی اندک چیزی به خزانه شاهان صفوی نمی‌دادند، کمپفر، همان، ص ۱۶۰ (شاهان صفوی از آن‌ها ناراضی بودند و اختیارات زیاد از حد آن‌ها را با سوءظن می‌نگریستند. (تاورنیه، ۱۳۶۹، ۵۸۶). از این رو برای آن‌که از مخارج گزاف حکام جلوگیری کرده و آن‌ها را به خزانه دولت واریز کنند، والی‌های حاکم را در بعضی از ایالات حذف و وزیرری به جای آن‌ها برقرار می‌کردند. شاه صفی اولین کسی بود که این کار را انجام داد و از امام‌قلی‌خان، والی فارس شروع کرد. در زمان او دیناری از عواید فارس، عاید خزانه نمی‌شد. ۴ بعد از قتل او حکومت ایالت تحت اداره اش بین وزرا و پیشکاران تقسیم شد و آن‌ها مستقیماً مالیات‌های هر ولایتی را به خزانه تحویل می‌دادند. ۵ همچنین از اقدامات شاه صفی بعد از کشتن امام‌قلی‌خان، تقسیم ایالت پهناور فارس و کهگیلویه و تجزیه سیاسی آن بود. این منطقه وسیع که در گذشته تحت نظر یک والی اداره می‌شد به چندین بخش تقسیم گردید و برای هر بخش آن یک حاکم تعیین شد، اما همین امر شرایط نامناسبی را برای رشد قدرتهای محلی و گسترش ناامنی فراهم نمود. این شیوه اداره را سارو تقی، وزیر اعظم، به شاه پیشنهاد داد. او چنین استدلال کرد که به علت امن بودن ایالت فارس لزومی ندارد که اداره آن به قزلباش‌ها که مبلغ ناچیزی به خزانه می‌دهند، واگذار شود، بلکه بهتر است به پیشکارهای شاه داده شود که از این جهت به نفع خزانه است. والیان دوره حکومت شاه صفی نشان دادند که از تجربه و درایت کافی برخوردار نیستند و اتخاذ تصمیمات نادرست از سوی آنان، شرایط نامساعدی را برای تجارت خلیج فارس و نواحی پس‌کرانه‌ای آن به وجود آورد. همچنین لغو قانون انحصار خرید ابریشم ۱۰۰۹/ش ۱۶۳۰م توسط وی، باعث کاهش صادرات این کالای تجاری توسط کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند از بنادر خلیج فارس شد ۲ که در مقابل تجار ایرانی توانستند آن را از طریق راههای زمینی به عثمانی و سایر کشورهای متقاضی در اروپا ارسال کنند. محدودیت تجارت ابریشم با عثمانی لغو و بازرگانان ابریشم مجاز باشند ابریشم خود را به هر جاویه هر کس بفروشند.

به نظر می‌رسد در این میان، شدت اعتراضات و فشارهای تجار باعث لغو قانون انحصار خرید ابریشم شده باشد زیرا شاه با این کارش می‌خواست قانون انحصار خرید ابریشم را بشکند تا هم افراد متوسط مملکت بتوانند از منافع آن استفاده کنند و هم آنهایی که صاحب ابریشم هستند بتوانند آن را به هر کسی که دلشان خواست بفروشند. همین عامل باعث شد که تجار ارمنی در خدمت دولت نباشند بلکه برای منافع شخصی خود به تجارت بپردازند و این موضوع سبب

بی نظمی در صادرات ابریشم گردد، استقلال تجاری این گروه و بی تعهدی در قبال حکومت ایران موجب گردید تا پول از ایران خارج کرده و بادولت مغولان کبیر به دادوستد مشغول شوند و همین مسأله نتایج نامطلوبی بر تجارت ابریشم برجای گذارد. علاوه بر این عوامل، روند کاهش صدور ابریشم تحت تأثیر اختلافات تجاری ایران و هلند نیز قرار گرفت، این اختلافات تا به محاصره و به توپ بستن بنادر و جزایر خلیج فارس، خصوصاً در زمان شاه سلیمان نیز انجامید.

هلندی‌ها در پی تنزل قیمت ابریشم بودند و همزمان نیز تجارت اجناس خارجی را در انحصار خود داشتند که این امر از زمان شاه صفی موجب منازعه بین حکومت صفوی و شرکت هند شرقی هلند شد. منازعه از آنجا ناشی شد که شاه نمی‌توانست مقدار ابریشم مقرر را در قرارداد تحویل دهد و از طرفی هلندیان که می‌خواستند بازار ابریشم ایران را در تنگنا قرار دهند از بازرگانان خصوصی بی‌پرداخت عوارض، ابریشم می‌خریدند. میرزاتقی خان ساروتقی، اعتمادالدوله، از هلندیان خواست که مالیات و عوارض همه ابریشم‌هایی را از که بازرگانان خصوصی خریده بودند، بپردازند. از اینرو میرزاتقی... ۴۳۰۹ تومان به زور از کمپانی گرفت اما با تواریا این عمل را نوعی تخطی شمرد و از مدیر کمپانی خواست که علیه این تخطی از شرایط معاهده اعتراض نموده و پول اخذ شده را خواستار شود اما میرزا تقی.. پاسخ داد: «شما از بازرگانی آزاد و معاف از پرداخت عوارض به شرطی برخوردار خواهید بود که تنها از شاه، ابریشم بخرید» او حتی کار را به جایی رساند که خواست هلندیان را ناچار کند هر قدر ابریشم که او مقرر می‌دارد و به قیمتی که او معین می‌کند بخرند، این برای هلندیان پذیرفتنی نبود چون ناچار بودند پول را با بهره سالانه ۲۰٪ قرض کنند و این کار به زیان آنها بود. وقتی میرزاتقی.. به اعتراضهای هلندیان توجهی نکرد در سال ۱۶۴۴ با تواریا، بر آن شد که با ایران به جنگ بپردازد. از اینرو ناوگانی مرکب از هفت فروند کشتی را به خلیج فارس فرستاد و دستور داد که بندر عباسی و بنادر دیگر ایران را محصور ساخته، همه کشتیهای ایرانی را متصرف شوند. ظهور ناوگان هلند و تصرف برخی از کشتیهای ایرانی و نیز بمباران قشم بدست آنها موجب کوتاه آمدن شاه و دادن امتیاز به آنها شد که البته پیش از آنکه امتیازی داده شود نماینده کمپانی درگذشت. بابه سلطنت رسیدن شاه عباس دوم ۱۰۵۲ق سفیر هلند کانپوس با گرفتن فرمانهای جدید اختلافهای میان کمپانی هند شرقی هلند و ایران را فیصله داد. اما از آنجا که در اثر اشکالات اداری از استفاده از حقوق تجاری هلندیها ممانعت به عمل می‌آمد هلندیها تصمیمات قاطعی اتخاذ کردند که در نتیجه آن واحدهای کوچکی از کشتیهای هلندی، کاروانهای تجاری ایرانی را دستگیر و با توپهای کشتی، هرمز را گلوله باران کردند و مدتها جزیره قشم را مورد حملات شدید قرار دادند. سرانجام فرستاده کمپانی، ژان بلوک ۱ با شاه عباس دوم قراردادی منعقد کرد که طی آن هلندیها حق داشتند سالانه ۲۰۰۰۰ تومان جنس بدون گمرگ صادر کنند اما تجارت کمسیون (خرید و فروش اجناسی که متعلق به کمپانی نیست) ممنوع شد. از اینرو کمپانی

موظف گردید سالیانه ۳۰۰ عدل، از قرار هر عدل ۳۶ من شاهی ابریشم (بیش از صد کیلوگرم) به قیمت بازار خریداری کنند. قیمت هر عدل ۴۸ تومان تعیین شد، مبلغی که تقریباً ۲۰ درصد بیش از قیمت بازار بود. ۲) تا سقوط صفویه این قرارداد پی در پی تجدید می شد اما گهگاهی مقدار ابریشم و بهای آن تغییر می یافت. در زمان شاه سلیمان (۱۰۷۷-۱۱۰۶ ه ق) نیز سفیری به نام فان لینه برای تخفیف قیمت ابریشم به ایران آمد وی توانست از دربار قول سالانه ۳۰۰ کارخا ابریشم از قرار هر کارخا ۴۴ تومان از شاه بخرد اما از آنجا که دربار ایران قولش را محترم نشمرد، سفیر بعد از ترک پایتخت در مراجعت به لارازبیدی جنس ابریشم رسماً شکایت کرد و تهدید کرد برای منهدم ساختن بنادر ایران کشتی های جنگی کمپانی را به ایران خواهد آورد. دولت ایران به دلیل آمدن کشتی های جنگی فرانسه در آبهای خلیج فارس، به تهدیدات سفیر مزبور اهمیتی نداد چون آنها هرگونه تحرک را از کشتی های هلندی گرفته بودند. با روی کار آمدن شاه سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ ه ق) نه تنها اختلافاتی را که شعبه نمایندگی کمپانی هلند در باب بازرگانی پشم با کرمان داشت به نفع کمپانی فیصله داد بلکه سفیری به نام هوگ-کامرا ۶ را در سال ۱۷۰۱ م/ ۱۱۱۳ ه ق به ایران فرستاد و توانست از شاه سلطان حسین اجازه فروش سالی صد عدل ابریشم بگیرد.

همچنین در ۱۷۱۷ م/ ۱۱۲۹ ه ق کمپانی هند شرقی هلند سفیری به نام یان کتلا را به ایران فرستاد. کتلا موفق شد قراردادی به امضای شاه سلطان حسین برساند که به موجب آن کلیه امتیازات سابق هلندیها تجدید شد و تسهیلات فراوانی برای آنها فراهم گردید. ۲ دربار ایران تلاش می کرد با دادن این امتیازات به هلندیها، از وجود آنها علیه دزدان دریایی مسقط بهره برداری نماید، ولی هلندیان که خواهان کاهش نفوذ ایران در خلیج فارس بودند و از این طریق بهتر به منافع اقتصادی خود دست می یافتند از طریق سفیر خود پاسخ منفی می دادند. اما با این اوصاف، تجارت در خلیج فارس خصوصاً بندر عباسی هر چند به صورت کم اما تاحدی ادامه داشت.

نقش والیان منطق ای در فراز و فرود تجارت

در دوران فرمانروایی امامقلی خان، حاکم بندر عباسی توسط او تعیین می شد. پس از کشته شدن وی به دستور شاه صفی، حکومت بندر عباسی به افرادی واگذار شد که به نظر می رسد به دلیل افزایش اهمیت تجاری این بندر از سوی دربار منصوب شده بودند (فسایی، ج ۱، ص ۴۴۸). اما این افراد به طور مداوم به دلیل ناتوانی در برقراری امنیت تجاری و نگهداری منظم ابریشم، جای خود را به دیگران می دادند (مشیری، ۱۳۶۹، ص ۳۴۸). تغییرات مداوم در حوزه تابعیت بندر عباسی از فارس به کرمان و لار، به نظم و تمرکز فعالیت های تجاری ضربه زد و منطقه را در مقابل هجوم اعراب آسیب پذیر کرد (مرعشی صفوی، ص ۲۷۳)

در سال ۱۱۰۶ق/۱۶۹۵م، بندر عباسی از کرمان جدا شده و به عباس‌قلی‌بیگ، یکی از غلامان خاصه واگذار گردید. او توانست تا حدودی امنیت و نظم تجاری را در منطقه حفظ کند، اما باز هم در مقابل حملات اعراب مسقط، که به بندر کنگ حمله کردند و کشتی‌ها را در لنگرگاه غارت کردند، ناتوان ماند (فلور، ۱۳۷۳، ص ۳۶). این نوسانات مدیریتی و تغییرات مکرر در حکومت بندر عباسی، نشان‌دهنده آشفتگی و نابسامانی‌های موجود در دربار صفوی در آن دوران است.

در سال‌های بعد، با وجود تلاش‌های برخی از حکام مانند یعقوب‌سلطان، که تلاش کرد با کمک‌های اروپاییان حملات اعراب را دفع کند، بندرعباسی همچنان شاهد تنش‌ها و ناامنی‌های تجاری بود. ناتوانی یعقوب‌سلطان در دفع این حملات و رفتارهای ناشایست او منجر به برکناری وی شد و میرزااهدلاری به عنوان جانشین وی منصوب گردید، که باز هم نتوانست در برابر حملات بلوچها به دفاع از شهر بپردازد و شهر به دست آنها غارت شد (فلور، ۱۳۷۱، ص ۸۶).

نقش آفرینی قبایل عرب در دوره اظمحلل قدرت مرکزی و دول استعماری

بعد از مرگ شاه عباس صفوی، حکومت مرکزی با ضعف مواجه شد، و در نتیجه نظارت بر امور گمرکی بندر با فساد و بی‌نظمی روبرو شد. (Alqasemi, 1999, pp.18-22) در این شرایط، تجارت در بندر بیشتر تحت کنترل سودجویان و شرکت‌های تجاری اروپایی بود. این وضعیت ابتدا به سود هلندی‌ها تمام شد، اما بعداً انگلستان موقعیت خود را در مقابل هلند تقویت کرد و با نزدیک شدن به پایان قرن هفدهم، شرکت هند شرقی انگلیس به تقویت ناوگان دریایی و تأسیسات بندری خود در خلیج فارس پرداخت (صلاح عقاد، ۱۹۷۴، ص ۲۷). سقوط صفویه و نا آرامی‌های عمان فرصت‌هایی را برای شرکت هند شرقی انگلستان فراهم آورد تا در منطقه تجارت خود را گسترش دهد.

در نیمه دوم قرن هجدهم، با حذف هلند و فرانسه، انگلستان استعمار خود را تقویت کرد و بی‌رقیب در منطقه خلیج فارس شناخته شد، و با قدرت تمام به مقابله با نفوذ دیگر قدرت‌های اروپایی در این منطقه و یا رقبای بومی مانند قواسم پرداخت. قبایل جنوبی این منطقه از ضعف سیاسی حاکم بر ایران، ناشی از مرگ شاه عباس و وجود پادشاهان ضعیف در سیستم حاکم ایران، استفاده کرده و قدرت روزافزونی کسب کردند. بسیاری از شیوخ محلی که تا پیش از این تابع حکومت مرکزی بودند، از فرصت استفاده کرده و کشتی‌های تجاری متعددی را برای خود دست و پا کردند (هاولی، ۱۳۷۷، ص ۴۳).

یکی از قبایل قواسم بودند که به دلیل موقعیت خاص آنان در تنگه هرمز، توانستند از شرایط ناشی از نبود یک قدرت سیاسی در خلیج فارس بهره‌برداری کرده و ناوگان بزرگی را تدارک ببینند. در قرن ۱۸، قواسم در حال تقویت موقعیت خود در خلیج فارس بودند و تا دهه‌های پایانی این قرن عوامل مختلفی مانع از قدرت یابی آنان بود. یکی از این موانع یعاربه عمان بودند که

همزمان با عقب‌نشینی پرتغالی‌ها از خلیج فارس و دریای عمان ناوگان بزرگی را تدارک دیده و وارد تجارت شدند. بدین ترتیب، ضعف سیاسی و اقتصادی ایران ناشی از جنگ‌های طولانی با عثمانی، ازبک‌ها و بعدها روسیه، و همچنین ضعف پادشاهان ایران عامل مهمی در تقویت قبایل ساکن در سواحل جنوبی خلیج فارس بود.

در سال ۱۷۲۸، شیخ راشد به جزیره قشم یورش برد و با سعیدو را گرفت، که ظاهراً فرزند شیخ رحمت بن مطر یا به گفته برخی حلیف او بوده است. ناامنی در سواحل شمالی خلیج فارس نیز موجب تحرک قبایل این منطقه شد. در سواحل میانی بندر عباس و بوشهر قبایل متعددی ساکن بودند که همواره در پی ضعف حکومت مرکزی دست به ایجاد آشوب و ناامنی می‌زدند (Wirson, 1923, p. 175).

همزمان با قدرت یابی یعاربه در عمان، غافری‌ها که قواسم ساکن در جلفار و مناطق اطراف آن نیز جزئی از آنان به حساب می‌آمدند قدرت یافته و بر دامنه نفوذ خود افزودند. اگر چه در این مقطع قواسم تحت سلطه یعاربه بودند اما شیوخ قاسمی زمینه را برای نفوذ هر چه بیشتر خود در عمان متصالح فراهم می‌نمودند که نتیجه آن ایجاد اتحادیه قواسم در پایان عصر صفویه بود که در بخش‌های بعد به آن خواهیم پرداخت. در اواخر قرن ۱۷ با سیاست استعمارگران جدید در منطقه و به خصوص انگلستان، آخرین پایگاه‌های پرتغالی‌ها نیز از دست آنان خارج شد و زمینه برای حضور انگلستان فراهم گردید. از نیمه قرن ۱۷ تا نیمه قرن ۱۸ میلادی رقابت شدیدی میان هلند و انگلستان ایجاد شد که در نهایت با پیروزی انگلستان همراه بود. (Ibid)

نتیجه گیری

دوره صفویه شاهد تغییرات عمده‌ای در مناسبات تجاری و سیاسی ایران با قدرت‌های بزرگ اروپایی بود. حضور اروپایی‌ها در خلیج فارس، به ویژه در جزایر هرمز، قشم و بندرعباس، تأثیرات عمیق و متنوعی بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی این بنادر گذاشت. این تأثیرات هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت قابل ملاحظه بودند.

در ابتدا، حضور اروپایی‌ها در خلیج فارس بیشتر جنبه استکشافی داشت و در پی آن بود که مسیرهای جدید تجاری را برای دسترسی به بازارهای شرق از جمله هند و چین بیابند. با این حال، به مرور زمان، اروپایی‌ها به ویژه پرتغالی‌ها، به دنبال تثبیت حضور خود در منطقه بودند که این امر با استقرار نظامی و احداث قلعه‌ها و پایگاه‌های تجاری در جزایر هرمز و قشم همراه بود. پرتغالی‌ها با تسلط بر جزیره هرمز، دروازه‌های تجارت خلیج فارس را به روی خود گشودند. این امر به ایجاد یک مرکز تجاری بین‌المللی در جزیره منجر شد که در آن کالاهایی چون ابریشم، ادویه، و سایر محصولات با ارزش از ایران و دیگر نقاط آسیا به اروپا صادر می‌شد. تجارت پررونق این جزیره نه تنها به رونق اقتصادی آن منطقه کمک کرد بلکه نقش مهمی در افزایش تبادلات فرهنگی و اجتماعی بین شرق و غرب داشت.

در مقابل، تصرف بندرعباس توسط شاه عباس و تبدیل آن به مرکز تجارت خارجی نشان دهنده تلاش‌های ایران برای بازپس‌گیری اقتصاد منطقه‌ای بود. شاه عباس با ساختاردهی مجدد به نظام تجاری و استقرار مستقیم اداره بنادر، توانست کنترل بیشتری بر تجارت خلیج فارس داشته باشد. این اقدامات نه تنها به افزایش درآمدهای دولت صفوی کمک کرد بلکه باعث شد که ایران به یک بازیگر مهم در تجارت بین‌المللی تبدیل شود.

با این حال، حضور اروپایی‌ها و رقابت‌های ناشی از آن نیز مشکلاتی را برای اقتصاد منطقه به وجود آورد. رقابت شدید بین پرتغالی‌ها و بعداً انگلیسی‌ها و هلندی‌ها بر سر کنترل مسیرهای تجاری اصلی، گاهی اوقات منجر به درگیری‌ها و ناامنی‌های محلی شد که تأثیر منفی بر جوامع بومی و تجارت داخلی داشت.

از نظر اجتماعی، حضور اروپایی‌ها و تجارت بین‌المللی که به دنبال آن شکل گرفت، باعث ورود فرهنگ‌ها، ایده‌ها و فناوری‌های جدید به منطقه شد. این تأثیرات فرهنگی به تغییر شیوه زندگی، مدیریت شهری و حتی روابط اجتماعی در بنادر ایران منجر شد.

بنابراین، حضور اروپایی‌ها در خلیج فارس تأثیرات مهمی بر اوضاع اقتصادی و اجتماعی بنادر صفوی داشت، که این تأثیرات هم در زمینه‌های مثبت و هم در زمینه‌های منفی قابل مشاهده است. توانایی شاهان صفوی در استفاده از فرصت‌های ایجاد شده توسط این تغییرات، نقش کلیدی در شکل‌گیری دوران طلایی تجارت و فرهنگ در این دوره ایفا کرد.

استناد:

نجف زاده بتول، بوشاسب گوشه فیض الله، کامرانی فر احمد. تأثیر حضور اروپایی‌ها در خلیج فارس بر اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بنا در دوره صفویه (با مطالعه منابع جدید). *فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران* 1404; 4(4): e236588. doi: 10.30510/pscci.2025.504388.1245

۱. اعظمی، عباس. (۱۹۲۷). تأثیر امپراتوری عثمانی بر اقتصاد ایران. تهران: انتشارات علمی.
۲. القاسمی، سعید. (۱۹۹۹). ناامنی‌های خلیج فارس در دوران صفویه. تهران: نشر تاریخ ایران.
۳. بروکلمان، گرهارد. (۱۹۷۷). جغرافیای تجاری ایران. برلین: نشر دانش.
۴. رائین، اسماعیل. (۱۹۷۴). تجارت خلیج فارس در دوران صفویه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۵. زنجانی، احمد. (۱۹۶۴). یهودیان در خلیج فارس: تاریخ و فرهنگ. تهران: نشر تاریخ ایران.
۶. سیوری، جواد و کلی، رضا. (۱۹۷۷). تاریخ سیاسی بصره. اصفهان: نشر آگاه.
۷. صلاح، عقاد. (۱۹۷۴). استعمار انگلیس در خلیج فارس. شیراز: نشر پارسه.
۸. فسایی، حسن. (۱۹۷۸). سیر تجارت در ایران. شیراز: نشر قدیانی.
۹. فلور، ویلم. (۱۹۸۳). سیاست خارجی صفویان. تهران: نشر اطلاعات.
۱۰. کرمانی، علی بن حسین. (۱۶۰۹). الف لیله و لیله بحر الدماء. قم: نشر شهر.

11. Alqasemi, Saeed. (1999). Instability in the Persian Gulf during